



چرا قراءت قرآن!؟

{بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ}

در این نوشتار درباره‌ی ضرورت طرد فنون قراءت در برابر یگانه قرائت مرسوم و فوق حدّ تواتر قرآن نزد مسلمانان بحث نموده و قول احسن تفسیری و فقهی فقیه مصلح قرآنی، آیه الله العظمی صادقی تهرانی را از تفسیر الفرقان تقریر می کنیم زیرا به قول مکتوب صاحب تفسیر المیزان مرحوم علامه ی طباطبائی «قدّس سرّه»: «تفسیر شریف فرقان که زیارت شد موجب روشنی چشم و مایه ی افتخار ماست».

سخن ما با آن گروه از برادران و خواهران ایمانی است که در تلاشند قرآن را با الفاظی دیگر که در متن آن نیست، قرائت کنند!! در حالی که قرآن می فرماید: {أَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَأَنَا لَهُ لِحَافِظُونَ} (سوره حجر، آیه ۹) در این آیه چنان که مشاهده می شود، خدای تعالی با ده لفظ ذیل: {ان، نا، نحن، نزل، نا، ان، نا، له، ل، حافظون} تأکید فرموده که قرآن را خودش حفظ خواهد نمود و در مورد هیچ یک از کتب آسمانی چنین تأکیدی را به کار نبرده است، بنابراین قرآن، همان گونه که به پیامبر اکرم | نازل شده بی کم و کاست در دسترس همگان است، ما به نحوه حفظ آن کاری نداریم و بحث تاریخی هم نمی کنیم، زیرا جز اتلاف عمر فایده‌ی دیگری ندارد، تنها برای رفع اختلاف برخی از مسلمانان درباره‌ی قرائت قرآن، با دقت نظر و تدبّر بیشتری در قرآن، به آیه‌ی ۱۸ و ۱۹ سوره‌ی قیامت رجوع می کنیم:

{إِن عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قُرْآنَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ} بی تردید گردآوری قرآن و [شیوه‌ی] خواندش، تنها بر [عهده‌ی] ماست * پس هنگامی که آن را خواندیم، خواندش را پیروی کن.

در اینجا بسیار واضح است که ضمیر {ه} در {قرآناه} فقط به یک قرائت تصریح می کند نه به چندین قرائت، وگرنه، آیه این گونه نازل می شد: «فاذا قرأناه بقراءته المختلفة، فاتبع قراءته» پس با تأملی مختصر در آیه‌ی {فاذا قرأناه فاتبع قرآنه} به خوبی معنای ذیل از آن برداشت می شود: «پس هنگامی که آن [قرائت واحد] را خواندیم [تو نیز] خواند [واحد] آن را پیروی کن» نه این که: «از قرائت چندگانه پیروی کن»!

زیرا بجای {قرآنه}، هرگز واژه‌ی «قرآینه» یا «قراءته»، نازل نشده. تا فرضاً مجاز باشیم که قرآن را بجای قرائت واحد، با قراءتی دیگر بخوانیم!

بنابراین تا اینجا روشن شد که نحوه‌ی قرائت قرآن، تنها یک گونه است نه چند گونه!! و این قرائت واحد هم، قرائت از همین قرآن مرسوم در سطح جهان است که خدای متعال، نزول، قرائت و حفاظت آن را خود، عهده‌دار شده و در دسترس مردم قرار داده است؛ نام اصلی این قرائت: «قرائت قرآن به روایت رسول الله | از خدای متعال» است، و اگرچه به نام «قرائت حفص از عاصم» مشهور شده، ولی محافظت قرآن از تحریف لفظی تنها با قدرت لایزال خدای سبحان تحقق یافته است.

حال اگر پرسیده شود: پس قراءت دیگر چیست؟

ما با سخن پیامبر گرامی اسلام | پاسخ می دهیم زیرا بر اساس نقل متواتر شیعه و عامه، آن حضرت به هنگام ایراد خطبه‌ای در سرزمین مَنا، چنین فرمود: «إيها الناس ما جاءكم عني فوافق كتاب الله فأنا قلته و ما جاءكم يخالف القرآن فلم أقله»^۱ ای مردم؛ آنچه از . طرفمن، . برای شما آمد که موافق کتاب خدا بود من آن را گفته‌ام و آنچه [از احادیث] به شما رسید که مخالف قرآن بود من آنرا نگفتم.

۱. بحار الانوار: ج ۲، باب ۲۹، ح ۳۹.

اکنون ما با عمل به فرمان فوق الذکر قراءات متفاوتی مانند: قرائت ابن عامر، ابن کثیر، ابوعمر، حمزه، کسائی، نافع، خکف، یعقوب و ابوجعفر؛ و یا روایاتی که به جای {مالک}، خواندن «ملک» را در سوره‌ی حمد جایز دانسته؛ همه را با قرآن محک زده و به آن عرضه می‌داریم و چون با قرآن متواتر مرسوم، مخالف می‌باشند، آن قراءات را مردود می‌دانیم.

و اگر گفته شود که: شما هم قوائت عاصم به روایت حفص را محور نفی یا اثبات روایات و قراءات قرار داده‌اید پاسخ می‌دهیم که: اولاً قرائت عاصم، قرائت متواتر قرآنی از رسول گرامی اسلام | است، ثانیاً این قرائت تنها مستند به روایت حفص نیست، بلکه عموم مسلمانان و حفاظ قرآن در نقل سینه به سینه‌ی آن تلاش کرده‌اند و بالاتر از آن در اصل، بر حسب نقل فوق حد تواتر از سوی رسول الله | و ائمه‌ی اهل البیت [^]، تصدیق شده است پس این قرائت متواتر قرآن، چه به کسی نسبت داده شود و یا هرگز منسوب به کسی نباشد به دلیل تواتر فوق تصوّر آن، همان قرائت یگانه‌ی قرآن است.

ثالثاً: قرائتهای دیگر نه تنها میان خود اختلاف و تضاد دارند بلکه حتی آیاتی از قرآن را با آیات دیگرش متناقض نشان می‌دهند با این که در بین آیات قرآن هیچ اختلافی وجود ندارد بنابراین در قراءات مختلف، علاوه بر اختلاف لفظی، تضاد معنوی نیز هست و این خود، سر از تضاد و حیانی قرآن، در می‌آورد و آن را از حجّیت و قاطعیّت می‌اندازد که از نظر آیاتی چند، بر خلاف صیانت کلی ربّانی، نسبت به قرآن است.

تذکر این نکته لازم است که اگر کتاب خدا، آن هم با یک قرائت، برای م کلّفان مجهول باشد و بر فرض محال، قرآن چندین قرائت متفاوت داشته باشد قاعده‌ی «عرضه‌ی روایات و اقوال بر قرآن» نیز مفهومی نخواهد داشت یعنی عرضه‌ی روایات منقول از اهل بیت نبوت [^] و نیز عرضه‌ی بقیه‌ی اقوال بر «قرآن با قراءات مختلف» به جهت اختلاف معنوی، بی ثمر خواهد بود بنابراین عرضه‌ی صحیح و نتیجه بخش روایات بر قرآن فقط عرضه‌ی آنها بر یگانه قرائت مرسوم قرآن می‌باشد که در میان میلیاردها مسلمان در طول تاریخ اسلام تا عصر حاضر وجود داشته و تا قیامت نیز همین قرائت واحد . با تأیید خدای سبحان محفوظ خواهد بود و به اتفاق مسلمین هرگز تحریفی به عنوان زیاد شدن نقطه، لفظ و یا آیه ای در آن راه نیافته و نخواهد یافت؛ بنابراین قطعاً روایات و قراءات چندگانه‌ی مذکور، کذب و تهمتی ناشایسته نسبت به رسول صادق اسلام است.

زیرا همانطور که اشاره کردیم قراءات مختلف در بسیاری از موارد، تضاد و تناقض در معنای آیات به وجود می‌آورند، مثلاً آیا لفظ {من} در آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی مریم، موافق با «من» است؟! و یا معنای {لَا هَبَّ} در آیه‌ی ۱۹ همان سوره، مخالف با «لِيَهَبَ» نیست؟! مسلم است که اینها در لفظ و معنا با یکدیگر فرق دارند و حتی چنانکه ملاحظه می‌شود بعضی از قراءات، تمسخر قرآن است؛ مانند اینکه به جای {جَنَّتْ شَيْئاً} در آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی مریم . معاذالله . می‌گویند: «جیشیاً»؟! یا به جای {قَالَ رَبُّكَ} در آیه‌ی ۲۱ از این سوره . معاذالله . می‌گویند: «فَارَبُّكَ»؟!.

واقعاً باید گریست بر این ظلمی که به قرآن م ی‌شود، ببینید کار مسلمانان به کجا رسیده که به جای تدبّر در قرآن {أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا} (محمد، ۲۴) بعضی اشخاص ناآگاهانه یا آگاهانه، با تشکیل جلساتی و خواندن الفظی مختلف به جای الفاظ اصلی آیات قرآن، عمر عزیز جوانان را تباه می‌کنند و به اختلاف در متن و محور اسلام دامن می‌زنند؛ در اینجاست که شکایت پیامبر | از مسلمانان را به یاد می‌آوریم:

{ وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا } (فرقان، ۳۳)

آری! اکثریت قوم پیامبر | این قرآن را مهجور نموده و به جای تمسک به معارف بیکران و احکام نورانی اش، تنها به قرائت آن و متأسفانه بعضی از آنان نیز به قراءات مختلف جعلی، روی آورده، قلب پیامبر | را آزرده‌اند، که بی تردید اذیت کردن رسول الله | پیامد دردناکی دارد { ... وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ } (توبه، ۶۱)

نکته آخر اینکه چون پیش از تحریر این مقاله، در بحث انتقادی قراءات، این پیشنهاد در قالب سؤال مطرح شده بود که: آیا بهتر نیست ما هم فنون قراءات دیگر را یاد بگیریم تا فضلی بر سنی‌ها داشته باشیم؟

در جواب می‌گوییم: آیا درست است که پیامبر اکرم | مأمور به اتباع از قرائت یگانه‌ی قرآن باشد ولی ما به خاطر فضل بر عاقمه، با عملکرد پیامبر | مخالفت کنیم، که در آن صورت، کاری بر خلاف { ما انزل الله } انجام داده‌ایم چون { ما انزل الله } در شیوه‌ی قرائت قرآن { فاتبع قرآنه } است نه «فاتبع قراءاته المختلفه»!!

حال آنکه اگر کسی فقط یک مرتبه قرآن را خوانده باشد می‌داند که خدای تعالی در آیات ۴۴، ۴۵ و ۴۷ سوره‌ی مائده، کسانی را که با دانستن { ما انزل الله } به آن حکم نکرده و سکوت اختیار کنند، کافر، ظالم و فاسق برشمرده است تا چه رسد به آنان که پس از آگاهی به { ما انزل الله } بر خلاف آن حکم کنند و چیز دیگری بگویند که در این صورت کافرتر و ظالمتر و فاسقتر خواهند بود.

به امید روزی که با اعتصام جمیع مسلمانان به معارف والای قرآن، وحدت حقیقی اسلامی به وقوع پیوندد و با قیام امام قائم «عجل الله تعالی فرجه الشریف» آرزوی دیرینه‌ی اهل بیت رسالت و پیروان راستین آنان برای احیای قرآن و اجرای احکامش تحقق یابد. «أین المؤمنل لاحیاء الکتاب و حدوده»

والسلام علی عبادالله الصالحین

قم - محسن نورانی - رمضان المبارک ۱۴۱۹ هـ. ق.

مطابق با دیماه ۱۳۷۷ هـ. ش.